

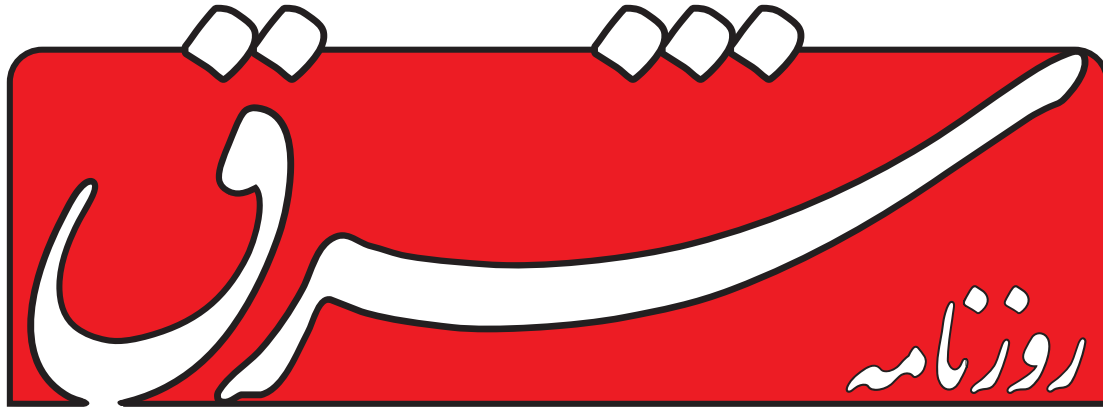


روحانی در جلسه ستاد ملی کرونا:
مجبور شویم، محدودیت‌ها را برمی‌گردانیم

گروه سیاست: رئیس‌جمهوری روز گذشته در جلسه ستاد ملی کرونا با تأکید بر لزوم همکاری مردم در مقابله با کرونا گفت: «اگر همکاری مردم نباشد و سلامت مردم به خطر بیفتد، مجبوریم همه محدودیت‌ها را بازگردانیم». حسن روحانی...

صفحه ۲

یکشنبه ۲۵ خرداد ۱۳۹۹ - ۲۲ شوال ۱۴۴۱ - ۱۴ ژوئن ۲۰۲۰



جهانگیری خبرداد
اجاره‌بها زیر ضرب دولت

گروه اقتصاد: روز گذشته معاون اول رئیس‌جمهور در واکنش به روند روبه‌رشد قیمت اجاره مسکن، خبر ورود دولت به بازار داد. اسحاق جهانگیری در این زمینه گفت: «بخش زیادی از جامعه اجاره‌نشین هستند و هزینه اجاره مسکن در سب...

صفحه ۴



سال هفدهم - شماره ۳۷۴۲ - ۱۶ صفحه - ۵۰۰۰ تومان

تنترها

در آستانه خروج از مجلس؟

صفحه ۳

خانواده موسوی مجد مقیم سوریه هستند

صفحه ۲

محمد عطریانفر:

خاتمی بر خلاف هاشمی می‌گفت تقلب نشده

صفحه ۳

آژیر خطر کرونا در پایتخت

صفحه ۱۳



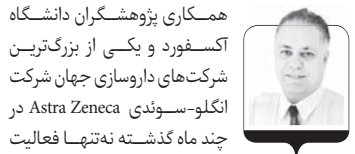
همه چیز درباره غزل حکیمی فرد که تبعه سوئیس شد

صفحه ۱۴

حرف اول

امیدواری به کشف واکسن کرونا

جهانگیر تقی‌پور



همکاری پژوهشگران دانشگاه آکسفورد و یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های داروسازی جهان شرکت انکو-سوئدی Astra Zeneca در چند ماه گذشته نتایج فعالیت سایر مراکز علمی دنیا را روی واکسن ویروس کرونا تحت‌الشعاع قرار داده بلکه اخبار علمی از این گروه برای مردم هم عدم امیدوارکننده بوده است. این پژوهشگران چنان اعتقاد و اعتمادی به کیفیت و مؤثر بودن واکسن خودشان دارند که قبل از اتمام آزمایش کامل آن بر روی انسان‌های داوطلب Human Trail تاکنون میلیون‌ها عدد از این واکسن ضدویروس کرونا را در این شرکت غول‌آسای تولیدکننده دارو ساخته‌اند و انتظار دارند که این واکسن بعد از اتمام فرایند علمی و قانونی کنونی با سرفرازای در اوایل پاییز آینده به بازار عرضه شود. اگرچه اطلاعات چندانی درباره مقدار مفید بودن و عوارض احتمالی این واکسن داده نشده است ولی اخبار حاکی از آن است که این پژوهشگران بعدها علمی وسیع و مهمی را هم مدنظر قرار داده‌اند. برای نمونه آنها با توجه به تلفات جانی بالای سالمندان بر اثر عفونت ویروس کرونا متوجه شده‌اند طبق معمول که تزریق واکسن باعث تولید پادتن و آمادگی سیستم دفاعی بدن برای مقابله با عفونت حقیقی می‌شود، این فرایند در افراد سالمند مقدار کمتری پادتن قوی تولید می‌کند، در نتیجه به نظر می‌رسد که سالمندان و بعضی گروه‌های آسیب‌پذیر کمتر از افراد جوان به واکسن ویروس کرونا واکنش سریع نشان داده و مقدار کمتری پادتن قوی مخصوص مقابله با ویروس کرونا تولید می‌کنند که طبق تحقیقات این پژوهشگران ترشح کافی این پادتن و کیفیت برخورد بدون تأمل لنفوسیت‌های، با ویروس کرونا در همان مراحل بسیار اولیه عفونت بر روی مرگ‌ومیر نهایی ویروس کرونا اثر مستقیم دارد. در نتیجه استفاده از واکسن تنها برای محافظت از سالمندان و گروه‌های آسیب‌پذیر در مقابل عفونت با ویروس کرونا کافی نخواهد بود. با توجه به آزمایش‌های اولیه، این پژوهشگران معتقدند که اضافه‌کردن تزریق پادتن کلون‌شده Cloned Antibody همراه واکسن ویروس کرونا این گروه‌های آسیب‌پذیر به سیستم دفاعی سالمندان و سایر گروه‌های آسیب‌پذیر این شانس را خواهد داد که بدون تأمل و اتلاف وقت بتوانند به مقابله با ویروس کرونا برخیزند و شانس بیشتری برای پیروزی در مقابل با این ویروس کشنده را داشته باشند.

فلوشیپ و عضو رویال کالج‌های جراحان انگلیس و اسکاتلند

عملکرد ۱۸ ساله خصوصی سازی از ارزان فروشی شرکت‌های دولتی حکایت دارد

چکش ۱۵۰ هزار میلیاردی

گروه اقتصاد، مرضیه امیری: پرونده خصوصی سازی ایران با متولی‌گری سازمان خصوصی‌سازی، از سال ۱۳۸۰ آغاز شد و با وجود اینکه عمر ۱۳ ساله برای این سازمان تعریف شده بود، واگذاری‌ها و کار سازمان خصوصی‌سازی ادامه دارد و طبق آخرین آمار و ارقام گزارش عملکرد واگذاری‌ها، خصوصی سازی‌ها از ابتدای سال جاری اوج گرفته؛ اما این بار نه با مزایده و مناقصه؛ بلکه با عرضه سهام در بازار سرمایه. فقط در دوماه ابتدای سال جاری ۲۰۹ درصد کل حجم واگذار شده در ۱۸ سال قبل از آن محقق شده است. از ابتدای دهه ۸۰ تا پایان اردیبهشت سال جاری، از میان هزار و ۹۰۰ شرکت در لیست واگذاری؛ چکش قیمت هزار شرکت و بنگاه به‌صدا درآمده و در کف قیمت به فروش رفته است. در ۱۸ ساله و دو ماهی که از عمر سازمان خصوصی سازی می‌گذرد، ارزش مجموع سهام و دارایی‌های واگذار شده حدود ۱۵۶ هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان است. ادامه در صفحه ۵



ماجرای دستگیری قاضی منصوری در رومانی

صفحه ۲

مجلس اصولگرایان و مشکلات کشور

آنان مخالفت با اندیشه دولت در سیاست خارجی و بیان ناتوانی دولت در تأمین معیشت مردم و ضعف دولت به خاطر تورم، قیمت‌های افسارگسیخته و دیگر مسائل مالی، اقتصادی و بازرگانی است و به قول رئیس مجلس دولت توان مدیریت جهانی برای حل مسائل کشور را ندارد. وجه مشترک دیگر ایشان ناآشنایی به اصول و تئوری‌های اقتصادی و عملکرد هرکدام از این مکاتب در جامعه و تبعات آن است و بدون آنکه دل‌بستگی خاصی به مکتب‌های اقتصادی مانند لیبرالیسم، سوسیالیسم، نئولیبرالیسم و مونوتاریسم (اصالت پول) داشته باشند، در اندیشه‌شان مقاطعی از این مکاتب دیده می‌شود. این نوع اندیشه در حقیقت نوعی اندیشه التقاطی است و التقاط تنها به اعتقادات دینی بازنمی‌گردد بلکه اندیشه‌های التقاطی در اقتصاد موجب تداخل مفاهیم متضاد می‌شود و برخلاف مکاتب یادشده که هرکدام روش و شکلی از اقتصاد را بیان می‌کنند و نتیجه آن را هم پیش‌بینی می‌کنند (به صحت‌وسقم آن کاری نداریم) فرد را در گردابی از اندیشه‌ها و اعمال فرومی‌برد که نتیجه آن بدتر شدن وضع اقتصاد و سردرگمی به کارزار هستند. حقیقت این است که صرف‌نظر از نوع نگرش سیاسی مجلسیان این حد از اظهار آمادگی و دل‌سوزی برای کشور و مردم بسیار ارزنده است و مردم هم امید دارند (ولی باور ندارند) که با تلاش مجلسیان گره بسته مسائل اقتصادی کشور و معیشتی مردم و به‌ویژه ناتوانان باز شود. مجلس دهم به قول منتقدان آن عملاً نتوانست در جهت حل این‌گونه مسائل موفق باشد. برخی آن را به واژه «نمی‌گذارند» بازگردانند و برخی به وجود «شورای سران سه قوه» و گفتن «عملاً مجلس مسلوب‌الاختیار بوده» است، بسنده کرده‌اند. درحالی‌که نه شورای سه‌نفره مانع مصوبات و نظارت و پیگیری مجلس بود و نه کسی جلوی مجلس سد ایجاد کرده بود. حقیقت آن است که مجلس دهم حرفی برای گفتن نداشت که کسی نگذارد یا مانع شود و اگر هم حرفی داشتند، موارد جزئی و غیرتعیین‌کننده بود. علت اصلی این امر هم آن است که نه اصولگرایان، نه اصلاح‌طلبان، نه اقتصاددانان و نه روشنفکران حرفی برای گفتن ندارند. البته حرف می‌زنند اما هرگز تبعات حرف‌های خود را نمی‌گویند. به همین دلیل است که مجلس راه‌حل جامعی برای حل مسائل کشور نداشته و ندارد. حال به ترکیب مجلس و گروه‌های مختلفی که به مجلس وارد شده‌اند، نگاه می‌کنیم. به‌طورکلی به اکثریت قریب‌به‌اتفاق مجلسیان می‌توان لقب اصولگرا داد و البته این لقب عنوانی است که خود اختیار کرده‌اند. وجه مشترک همه ادامه در صفحه ۲



گفت‌وگو با محسن رنانی، اقتصاددان آینده‌ایران و ۴ زلزله

صفحه ۶

شرق بررسی می‌کند فرصت‌های دست‌نخورده فرصت‌ساز برای آینده

یادداشت

علم شرقی و علم غربی

به‌روزرسانی علوم را ایجاد نکرد، اما از سال‌های نزدیک به مشروطه در حلقه‌های درسی، به واسطه حضور معلمان غربی و دانش‌آموزان و دانش‌آموزانک دل‌زنده و نگران از این رکود، ظرفیت‌های بازنمایی خود را در قالب ایجاد مدارس به خود دیدند. جنب‌وجوش علمی و تلاش برای به‌روزرسانی دانش در ایران معاصر در خود شکفتگی‌های عجیب و ویژه‌ای دارد؛ از آن جمله اصطلاح غرب‌زدگی، فرهنگ منحن غرب، فروپاشی تمدن غربی و خلاصه مقابله کلامی با دنیای مدرن و جذب صددرصدی در آن. افراد مجذب همواره بر طبل منفی آن کوبیدند و با جملات احساسی و هیجانی داعیه نقد آن را بدون ارائه یک راه‌کار کاربردی داشتند. این گفته‌ها و ناگفته‌ها دستمایه ایجاد احزاب شد، تشکل‌های دانشجویی از همان بدو تجمع مدارس عالی در دانشگاه تهران شکل گرفت و به‌تدریج فضای بحث‌های تفریحی دانشجویی به مجادلات و افزایش اختلاف سلیقه‌ها و درنهایت تشکیل احزاب سیاسی غیرعلمی پس از سه دهه از شکل‌گیری نظام آموزش عالی نوین تبدیل شد. جالب اینکه این فاصله‌ها در جریان تحولات اواخر دهه ۴۰ و نیمه اول دهه ۵۰ خورشیدی به رویارویی با خود و حاکمیت انجمن و سرانجام این فعالیت‌های دانشجویی به‌ویژه دانشگاهیان تبریز، نقش مؤثری در فروپاشی نظام رسمی سلطه مشروطه ایرانی و یک انقلاب به معنای واقعی کلمه را بازی کرد. هیچ‌یک از انقلابیون پیروز، در ابتدا حاضر به عقب‌نشینی از افکار و بافته‌های خود نشده و دائم یکدیگر را متهم به وابسته شرقی و غربی می‌کردند. این بی‌تحملی‌ها فضای شفاف علمی را مخدوش کرد.

ادامه در صفحه ۲

سرمقاله

مرگ آگاهی در زمانه هراس از کرونا

حسین ناصری

از همان لحظه‌ای که بند ناف این جهان می‌شویم، سفر بی‌وقفه ما به سوی مرگ آغاز می‌شود؛ گویی که ما به دنیا می‌آیم تا بمیریم. با وجود این، بشر همواره درصدد مقابله با مرگ بوده؛ از دغدغه کیلکمش افسانه‌ای به فانی بودن خود تا انجام جنازه‌ها به این امید که روزی حیات را به آنان برگرداند، همگی شاهدی است دال بر آنکه آدمی همواره میل به جاودانگی داشته است. در زمانه‌ای که داس مرگ در دستان ویروس به‌ظاهر ناچیز کرونا جای گرفته است، آدمی بیش از پیش خود را در برابر مرگ ناتوان می‌بیند. اگر موضع افراد درباره مرگ را در قالب یک پیوستار تجسم کنیم، در یک سرنویش میل به مرگ قرار می‌گیرد که عمدتاً در اختلالات خلقی و با فراوانی کمتر در سایر اختلالات روان‌شناختی دیده می‌شود و در سر دیگر، خوف بیمارگون از مرگ است که امکان لذت‌بردن از زندگی را از فرد سلب می‌کند. بر این اساس، باید گفت از ابتدای شکل‌گیری روان‌شناسی، مرگ یکی از موضوعات جذاب برای نظریه‌پردازان و محققان بوده است؛ چنانچه ویلیام جیمز به‌عنوان یکی از بانیان این علم، آگاهی از فناپذیری را تحت عنوان «کرم هسته» نام برده است که در وجود آدمی رسوخ می‌کند. اینکه آدمی در چه سنی مرگ را درک می‌کند، به رشد شناختی او مربوط می‌شود؛ نوزادان و نوباوگان درکی از مرگ ندارند، ولی می‌توانند احساسات والدین خود را متوجه شوند که درگیر مرگ یک عزیز یا بیماری‌های مهلک خود هستند. کودکان چهار تا شش سال، مرگ را پدیده‌ای موقتی می‌پندارند. معمولاً این ذهنیت از اینمیش‌ها نشئت می‌گیرد که در آنها شخصیت‌ها مرده، ولی در ادامه زنده می‌شوند. کودکان هفت تا ۱۲ سال، مرگ را به‌عنوان نقطه پایان زندگی درک می‌کنند؛ اما جهان‌شمول بودن آن را نمی‌فهمند. نکته رشدی دیگری که در درک مرگ در این دوره سنی به چشم می‌خورد، این است که کودکان، سببیت مرگ را متوجه نمی‌شوند؛ آنان نمی‌توانند درک کنند که آدمی چگونه می‌میرد. درک نوجوانان از مرگ، بسیار نزدیک به درک بزرگسالان است. از آنجایی که نوجوانان، برخلاف کودکان، انتزاعی می‌اندیشند، مرگ را از ابعاد مختلف بررسی کرده و سؤالات زیادی درباره آن به ذهنشان آمده و احتمالاً آنها را مطرح می‌کنند. بر اساس یافته‌ها، اضطراب مرگ از چهار، پنج سالگی در کودکان دیده می‌شود. برخی تحقیقات نشان داده‌اند در صورتی‌که مرگ در قالب مفاهیم زیست‌شناختی و به شکل علمی برای کودکان تشریح شود، از میزان اضطراب آنان کاسته می‌شود. پژوهش‌ها نشان داده‌اند میزان اضطراب مرگ در گستره سنی ۲۰ تا ۴۰ سال شروع به افزایش می‌کند؛ به حدی که میزان این نوع از اضطراب در دوره ۴۰ تا ۶۴ سالگی به اوج می‌رسد. به طرز شگفت‌انگیزی این اضطراب از ۶۵ سالگی به بعد رو به کاهش می‌رود. این موضوع برخلاف انتظار بسیاری از افراد و خصوصاً جوانان است که گمان می‌کنند سالمندان اشتغال ذهنی شدیدی به مرگ دارند. در بین مقالات مختلف که به مرگ پرداخته‌اند، چند درونمایه شناسایی شده است: ۱. اکثر افراد تا حدودی درباره مرگ فکر می‌کنند، ولی درصدد ناچیزی از آنان گرفتار حالت‌های مرضی اضطراب مرگ می‌شوند. با وجود این، کم نیستند افرادی که گمان می‌کنند نخواهند مرد. شاید برخی از عادات زندگی دسته‌ای از این افراد، اعم از تغذیه ناسالم، مصرف الکل، سیگار، بی‌تحریکی و... ناشی از این باور باشد.

ادامه در صفحه ۴

برادر گرامی، جناب آقای منصور وثوقی
مصیبت درگذشت مادر گرامیتان را به جناب‌عالی و خانواده محترم تسلیت عرض می‌کنم. از خداوند سبحان برای آن مرحومه علو درجات و برای شما و سایر بازماندگان اجر ارزومندم.
مهدی رحمانیان

ارتباط با روزنامه شرق
SHARGHLINE
@SHARGHDAILY.IR

خبر به وقت شرق

افزایش حقوق کارگران و کارمندان حداقل تا خط فقر
کمک به مردم مستضعف جهان مانند فلسطین و یمن و... (البته مسلمانان سن کیناگ و رویه‌نگایی فراموش شده هستند)
حل مسائل منطقه حوزه انتخاباتی
افزایش ارزش پول ملی
رشد صنعت پایه‌های توانمندی‌های موشکی و نظامی کشور
صدالبته این اندیشه‌ها عزیز و گرامی است و هرکدام نیز به مکتبی از مکاتب اقتصادی وابسته است اما اینکه مجلس چگونه می‌خواهد به این امر دست پیدا کند، مسئله مهمی است و اینکه آیا مجلس خود به رعایت قانون پایبند است یا خیر امری تعیین‌کننده خواهد بود.

بادکست Podcast
هر شب در کانال تلگرامی شرق @sharghdaily

روزنه

واکنش تند ایران به نامه گوترش

● وزارت خارجه ایران با صدور بیانیه‌ای به گزارش جدید رویترز از نامه دبیرکل سازمان ملل متحد به شورای امنیت این نهاد، واکنش نشان داد.
وزارت خارجه در بیانیه‌ای اعلام کرد که جمهوری اسلامی ایران ضمن رد ادعاهای دبیرخانه سازمان ملل متحد که به نظر می‌رسد تحت فشارهای سیاسی رژیم‌های آمریکا و عربستان صورت گرفته، مراتب نگرانی عمیق خود را در قبال استفاده ابزاری از دبیرخانه سازمان ملل متحد برای اهداف سیاسی ابراز می‌دard.
به گزارش اداره کل اطلاع‌رسانی و امور سخنگویی وزارت خارجه، متن این بیانیه به این شرح است:
«جمهوری اسلامی ایران ضمن رد ادعاهای دبیرخانه سازمان ملل متحد که به نظر می‌رسد تحت فشارهای سیاسی رژیم‌های آمریکا و عربستان صورت گرفته، مراتب نگرانی عمیق خود را در قبال استفاده ابزاری از دبیرخانه سازمان ملل متحد برای اهداف سیاسی ابراز می‌دارد.»
«درحالی‌که دبیرخانه بر اساس تفسیر غیرمعمول از قطع‌نامه ۲۲۳۱ تاکنون از گزارش موارد متعدد نقض برجام توسط آمریکا و کشورهای اروپایی خودداری کرده و حتی با خروج آمریکا از برجام که نقض آشکار قطع‌نامه ۲۲۳۱ است در نهایت تسامح و ابهام برخورد کرده است؛ اما در موضوعی که دبیرخانه طبق ترتیبات مرتبط با اجرای قطع‌نامه ۲۲۳۱ اساساً اختیاری در آن ندارد ورود کرده و اقدام به تهیه گزارش به‌اصطلاح تخصصی می‌کند.
جالب‌تر آنکه گزارش دبیرخانه هم‌زمان با اقدام آمریکا در ارائه پیش‌نویس قطع‌نامه خطرناکی برای تمدید غیرقانونی محدودیت‌های تسلیحاتی علیه ایران منتشر می‌شود و مفاد آن دو هفته قبل از انتشار توسط آمریکا مورد استناد قرار گرفته و این شائبه را تقویت می‌کند که این گزارش به سفارش آمریکا و برای بهره‌برداری توسط آن کشور در شورای امنیت علیه ایران تهیه شده است.»
«متمم‌سازی دولت‌ها با فرایندهای خودساخته و ضوابط خورنده‌ی بدعت خطرناکی است که مورد تأیید جامعه بین‌المللی نیست. این چنین فرایندهایی سفارشی شدیداً به اعتبار سازمان ملل متحد لطمه وارد خواهد ساخت.
تهیه گزارش با انگیزه‌های سیاسی، تغییردهنده حقایق نبوده و بر همگان روشن است که وضعیت امروز منطقه نتیجه مستقیم سیاست‌های غلط آمریکا و رژیم کودک‌کش عربستان است.
چگونه است که هیچ توجهی به فروش سلاح‌های تره‌گیرها به عربستان که استفاده از آنها علیه مردم بی‌دفاع یمن بر همگان چون روز روشن است، نمی‌شود اما تیم‌های تحقیقاتی برای جست‌وجو در زیاده‌های عربستان اعزام می‌شوند تا مگر مدرکی برای ادعاهای بی‌پایه آمریکا ساخته شود؟ می‌تزدید، چنین گزارش‌هایی نهنتها به صلح و امنیت در منطقه و اجرای قطع‌نامه‌های شورای امنیت کمکی نخواهد کرد، بلکه اعتبار و آبروی سازمان ملل متحد را نیز یکسره نابود می‌کند.»

سازمان ملل متحد توصیه می‌کند در سناریوی از پیش طراحی‌شده آمریکا ایران جلوگیری از لغو محدودیت‌های تسلیحاتی ایرانی اجتناب نکرده و با تهیه گزارش‌هایی که هیچ محمل قانونی ندارند به این روند خطرناک کمک نکند.
آمریکا خود بزرگ‌ترین ناقض قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت است و هیچ‌کس نمی‌تواند دامان آن کشور را از نقض گسترده قوانین بین‌المللی مبرا سازد».
در همین رابطه، نماینده دائمی ایران در سازمان ملل متحد نیز ادعاهای مطرح‌شده در گزارش را رد کرد.
مجید تخت‌رواچی در توییت نوشت: «ایران تمام اتهامات را در گزارش دبیرخانه سازمان ملل رد می‌کند: «منشأ ایرانی» تسلیحات یک وهم است. دبیرخانه سازمان ملل فاقد ظرفیت، تخصص و دانش انجام‌دادن تحقیقات است.
به نظر می‌رسد که آمریکا با تارخیزچه خصومت با ایران در صندلی راننده نشسته است تا «ارزانی‌های» سازمان ملل را شکل دهد. این اظهارات در واکنش به نامه‌ای مطرح می‌شود که خیرگزاری رویترز آن را رسانه‌ای کرد.
در این نامه که گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد درباره ماجرای حمله به تأسیسات نفتی آرمکو عربستان در شهپور گذشته بود، آنتونیو گوترش اعلام کرده است موشک‌های کروز و تجهیزاتی که سال گذشته در حمله به تأسیسات نفتی آرمکو و فرودگاه بین‌المللی آب‌های عربستان سعودی و دست‌کم دو حمله پیش از آن از آنها استفاده شده «منشأ ایرانی» داشته‌اند.
گزارش سازمان ملل به شورای امنیت در این زمینه تاکنون به طور رسمی منتشر نشده، اما خیرگزاری رویترز روز پنجشنبه، ۲۴ خرداد، اعلام کرد به نسخه‌ای از آن دست یافته و بخش‌هایی از گزارش را منتشر کرد. طبق این گزارش، دبیرکل سازمان ملل به اعضای شورای امنیت خبر داده چندین نمونه از سلاح‌ها و تجهیزاتی که نیروهای آمریکایی در نوامبر ۲۰۱۹ و فوریه سال جاری، یعنی پاییز و زمستان ۹۸، در منطقه ضبط کرده‌اند نیز منشأ ایرانی داشته‌اند.
رویترز می‌گوید گوترش در گزارش خود یادآور شده برخی تجهیزاتی که آمریکا در منطقه ضبط کرده، مشخصات مشابهی با تجهیزات ساخت یک شرکت ایرانی دارند و روی برخی از آنها نوشته فارسی وجود دارد.
دبیرکل سازمان ملل در این نامه همچنین گفته است این مسئله می‌تواند مغایر با قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت ارزیابی شود. ایالات متحده در ماه‌های اخیر در تلاش است با متمم‌کردن ایران به نقض این قطع‌نامه یا جلب حمایت دیگر اعضای ششورا با تصویب قطع‌نامه، قطع‌نامه ۲۲۳۱ را لغو و تحریم تسلیحاتی ایران را که بناسند در پاییز پیش‌رو لغو شود، تمدید کند.

ادامه از صفحه ۶

امسا وقتنی احمدی‌نژاد آمد، چون آماده‌گی پذیرش پنداره او وجود داشت، اجازه داده شد احمدی‌نژاد دست به اصلاحات ساختاری بزند و از قضا آنجا بود که دیده شد اصلاحات ساختاری چقدر سخت، پرهزینه و حساس است و چقدر نیازمند انسجام و برخورداری از حمایت هسته مرکزی قدرت است و نمی‌توان با اصلاحات سطحی و موردی کشور را نجات داد.

۴ **اجازه دهید تعریضی داشته باشم به فرمایش جنابعلی؛ از طرفی شما بر این باورید که روی کار آمدن رؤسای جمهوری چون آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، سیدمحمد خامنی، محمود احمدی‌نژاد و حسن روحانی قابلیت این را نداشته است که به‌عنوان یک زلزله سیاسی – اجتماعی در کشور تأثیرگذار بوده و تحولات ساختاری را موجب شود.**
از طرفی دیگری می‌فرمایید زلزله چهارمی که پایان این دوران و آغاز دوران جدید را رقم زده‌اند، در سال ۱۴۰۰ و انتخابات ریاست‌جمهوری خواهد بود. اینجا تعارضی وجود ندارد؟
دقت بفرمایید؛ اینجا بحث اشخاص و نگرش‌های آنها مطرح نیست. با دو زلزله سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹، یعنی انتخابات و اعتراضات ۱۳۸۸ و تحولات بعد از آن که زلزله‌ای سیاسی بود و سپس اجرای هدمفندسازی یارانه‌ها در سال ۱۳۸۹ که زلزله‌ای اقتصادی بود، دوره تازه‌ای در عصر جمهوری اسلامی آغاز شد. اگر آقای احمدی‌نژاد هدفمندی یارانه‌ها را اجرا نمی‌کرد، زلزله ۱۳۸۸ درتشن آن چنان که الان می‌بینیم، نبود و به همان یکدست‌شدن ساختار قدرت سیاسی محدود می‌شد، ولی هدفمندی یارانه‌ها باعث شد که زلزله ۸۸ به یک تحول ساختاری گسترده‌تر در همه حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تبدیل شود؛ یعنی من تحولات ۸۸ و ۸۹ را یک بسته مکمل می‌بینم که یکی دیگری را تکمیل کرد. حتی معتقدم آقای احمدی‌نژاد در سال ۸۹ سیاست هدفمندی را با آن سرعتی که در تصمیم و اجرا داشت، برای تغییر فضای کشور و عبور از فضای روانی ۸۸ اجرا کرد.

پس این دهه با این دو زلزله مورد مکمل در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی آغاز شد که پس از آن تمام ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تغییر جدی کردند و سپس با زلزله کرونا نیز پایان یافت و البته زلزله کرونا که یک زلزله اقتصادی و اجتماعی است نیز با زلزله مکملش؛ یعنی انتخابات ۱۴۰۰ تکمیل می‌شود و یک دهه بی‌نظیر و شتابان و سرنوشت‌ساز در جمهوری اسلامی به پایان می‌رسد.
در بین این دو مقطع زمانی، ما حوادثی داریم که دستاوردها، پیامدها و علانم و پس‌ازپس‌لهایی محسوب می‌شوند از آشنوبی که آن زلزله‌ها در بطن جامعه ایجاد کرده است، مانند شورش‌ها و اعتراض‌های دی‌ماه ۱۳۹۶ و آبان ۱۳۹۸ که دقیقاً رشده در تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی سال‌های ۸۸ و ۸۹ دارند.
حاصل این ۱۰ سال که با زلزله نهادی و اجتماعی کرونا به نقطه پایان نزدیک می‌شود و همه درهم‌ریزی‌ها و بی‌ثباتی‌های دهه گذشته را در خوددم نهفته دارد، نهایتاً در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ نمایان خواهد شد و به نقطه پایان می‌رسد و آخرین دستاورد این تحولات آنجا به ثمر می‌نشیند؛ یعنی این تحولات در طول این دهه برای جناح‌های مختلف و برای نظام سیاسی دستاوردهای مثبت و منفی دربر داشته و براینده اینها در نقطه پایانی؛ یعنی در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۰ آشکار خواهد شد.
درواقع نتیجه و براینده تمام تحولات دهه گذشته در انتخابات ۱۴۰۰ خودش را نشان خواهد کرد؛ یعنی انتخابات به هر شکلی که برگزار شود و هر گروه یا جناحی که برنده شود، ایران پسا ۱۴۰۰ ایران کاملاً جدیدی خواهد بود که حاصل تحولات ۱۰ سال گذشته است. نمی‌دانم دقیقاً چه شکلی خواهد داشت، اما می‌دانم که خیلی متفاوت از امروز خواهد بود و ادامه ریزوز و امروز نخواهد بود؛ یعنی هرکدام از احتمال‌هایی که امروز می‌دهیم اگر محقق شود، ایران کاملاً تازه‌ای از آن سر برخواهد آورد و به گمان من هرکدام که محقق شود، نسبت به امروز یک گام که جلو خواهد بود.
درواقع نتیجه بستگی به خیلی چیزها دارد؛ مثلاً آیا این احساس ایجاد می‌شود که از تمام موانع گذشته عبور کرده‌ایم و حالا می‌توان در انتخابات ۱۴۰۰ آخرین مخالفان و منتقدان را کنار گذاشت و به تمام نگرانی‌ها پایان داد؟ یا این‌که تحولات ۱۰ سال گذشته باعث می‌شود که انتخابات ۱۴۰۰ را تبدیل به یک برنامه و تحول افق‌گشایانه برای نوسازی نظام سیاسی، اجتماعی ایران کند، به بیان دیگر، در انتخابات ۱۴۰۰ یا یک رئیس‌جمهور کاملاً همسوی خواهیم داشت یا حتی یک رئیس‌جمهور نظامی خواهیم داشت که در این صورت قدرت سیاسی یکپارچه می‌شود و ساختارهای سنتی حاکم بر دهه گذشته تقویت می‌شوند.
اگر چنین شود، این خودش یک ظرفیت برای کشور و ساختار سیاسی، اجتماعی به وجود می‌آورد که بتواند بدون نگرانی، با قدرت تحولات بزرگ افق‌گشایانه را رقم بزند.
یا این‌که در نتیجه حوادث و تحولات دهه گذشته، مسئولان به این نتیجه می‌رسند که وضعیت فعلی خود را ناپسند نیست و در یک نقطه باید چرخش کنند و آن نقطه شاید آخرین فرصتی باشد که می‌تواند جامعه ما را به آرامش و ثبات برساند.
و معتقدم این وضعیت نیز نتایج و ظرفیت‌های گسترده دیگری برای ما در پی خواهد داشت.
در آن مقطع است که مشخص خواهد شد نظام سیاسی، اجتماعی ما از مجموعه تحولات گذشته چه دستاوردی برای خود کسب کرده و به دنبال چه هدفی است و در آن زمان برای ما مشخص خواهد شد که آیا نظام سیاسی، اجتماعی ما توانسته است از این‌همه انرژی انباشته‌شده و تجربه‌های آموخته‌شده برای ارتقای خود بهره‌برد ی‌اند؟
نه؟ انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ ای‌بسا ممکن است بدون تنش و بدون هیچ مسئله و حاشیه‌ای برگزار نشود یا ممکن است منجر به پدیداری موج تازه‌ای از امید اجتماعی شود که به هجوم جدیدی به صندوق‌ها بینجامد.
اما به هر شکلی که برگزار شود و هر نتیجه‌ای در پی داشته و هر کس در مسند ریاست‌جمهوری نیک‌بینانه دیدن پایان هر یک از تحولات دهه گذشته و آغاز تحولات ساختاری جدید خواهد بود.
برای درک بهتر مسئله به نقش سوزن‌بان در هدایت قطار اشاره می‌کنم.
سوزن‌بان با چرخاندن سوزن ریل، مسیر حرکت قطار را عوض می‌کند، اما او ریل‌گذاری جدید ایجاد نمی‌کند، بلکه ریل‌گذاری‌هایی را که پیش‌تر ایجاد شده و آماده است در یک نقطه به هم متصل می‌کند تا قطار از یک مسیر وارد مسیر تازه‌ای شود.
در انتخابات سال ۱۴۰۰ نیز یا کشور بر همان ریل سابق حرکت خواهد کرد که به ناپنجی خواهد داشت یا سوزن را عوض می‌کند و قطار روی ریل جدیدی ادامه حرکت خواهد داد که نتایج کاملاً متمایزی خواهد داشت.
حال با توجه به اینکه به نظر نمی‌رسد ادامه حرکت در مسیر ریل قبلی – به دلایل مختلف که شرح آن در این مجال نمی‌گنجد – امکان‌پذیر باشد، بنابراین به احتمال قوی، گزینه ادامه مسیر در ریل جدید انتخاب خواهد شد و یک مسیر تازه آغاز شده و فرایندها و ساختارهای جدید به وجود خواهند آمد.

۴ **به نظر می‌رسد جناب‌عالی هم با نظریه انحطاط و نوزایی ایران سیدجواد طباطبایی همسو باشید، گرچه شاید نتوان تحلیل شما را عیناً منطبق با نظریه ایشان دانست.**
منصرف از این بحث علمی در حوزه علوم سیاسی، اجازه بفرمایید بازگردیم به مجموعه تحولات و وقایع دهه گذشته.
به نظر شما کدام‌یک از وقایع و رویدادها در این دوره موردنظر، حادث شده که ظرفیت این را داشته در صورت تعمیق و تعمیق، به بحران یا فاجعه‌ای ساختاری در عرصه سیاسی و اجتماعی ایران تبدیل شود؟

سیاست



علی‌اکبر علیرضی

در نشست خبری

آینده ایران و ۴ زلزله

اساسا هر حادثه، واقعه‌ای با تحولی که به یکی از این سه نتیجه بینجامد، برای کشور فاجعه‌بار خواهد بود؛ یا به شورش‌های داخلی بینجامد که قابل مدیریت و کنترل نباشد و به سمت برخورد‌های خشن یا مسلحانه میان گروه‌های جمعیتی مختلف در درون کشور منجر شود؛ یا به برخورد نظامی با خارج بینجامد؛ یا به تقابیل خشونت‌بار و حذفی جناح‌های داخل در قدرت و ارکان حکومت منجر شود.
بنابراین هرکسی که دغدغه منافع ملی دارد و دوست کشور است، در حوادث پیش‌رو، اگر احتمال بدهد اقداماتش ممکن است به یکی از این سه نتیجه برسد، باید منافع ملی را بر منافع شخصی و جناحی خود اولویت دهد و از سوق دادن مملکت به آن سمت پرهیز کند و اجازه ندهد کشور درگیر بحران‌های فاجعه‌بار شود.

با مروری بر حوادث دهه گذشته، به نظر من حوادث انتخابات سال ۱۳۸۸ پتانسیل برخورد نظامی خشونت‌بار میان جناح‌های درون حکومت و پتانسیل شورش‌های خشونت‌بار و خوین‌درون جامعه را نیز نداشت و دیدیم که هر دو طرف منازعه در عمل نشان دادند که هر کدام از این‌ها سواد که به سمت خشونت سوق پیدا می‌کرد و کنترل‌پذیر نبود، حتماً یکی از طرفین کوتاه می‌آمد و راه مصالحه را پیش می‌گرفت، البته به گمان من از هر دو سوی منازعه خیلی بهتر می‌شد آن را مدیریت کرد.
بااین‌حال دیدیم وقتی عملاً به سمت تندشدن حرکت‌ها رفت، رهبران جریان اصلاح‌طلب، آن یا قفشاری و امرامورد انتظار طرفداران خود را اعمال نکردند و این حفظ‌کشور کوتاه آمدند.
در میان حوادث بود و وجود نیز اعتراضات دی‌ماه سال ۱۳۹۶ نیز ظرفیت تبدیل‌شدن به وضعیت خطیری را که گفته شد، نداشت و دیدیم که کنترل و مدیریت شد؛ اما اعتراضات آبان‌ماه ۱۳۹۸ این پتانسیل را داشت که به‌سرعت به یک فاجعه ملی و شورش‌های مستمر دنباله‌دار تبدیل شود و ای‌بسا برخورد تند و کنترل فوری حکومت نیز ناشی از این بود که نگران همین مسئله بودند.
درهرحال اعتراضات سال ۹۸ ویژگی‌هایی داشت که می‌توانست به فاجعه تبدیل شود.

<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>
<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div> </div>	<div><</div>	